

چرا برخی به فال و خرافات عقیده دارند

روانشناسان اجتماعی معتقدند که خرافات در جوامعی که سطح ناایمنی و تنش در آن‌ها بالاست و نیز در جوامعی که عدم اطمینان و ابهام در آن‌ها زیاد است،



روانشناسان اجتماعی معتقدند که خرافات در جوامعی که سطح ناایمنی و تنش در آن‌ها بالاست و نیز در جوامعی که عدم اطمینان و ابهام در آن‌ها زیاد است، بیشتر دیده می‌شود؛ علتش هم به طور کامل روشن است: فال و جادو و خرافات؛ اما اینها، تنها دلیل اعتقاد به فال و خرافه نیست. جام جم سرا: آدم‌ها تلاش می‌کنند با ساده سازی، علت اتفاقات را به گردن جایی، کسی یا کسان دیگری بیندازند و به عبارت دیگر، دیگران را عامل وقایع و رفتارها و پدیده‌ها بدانند و مسئولیت را از گردن خودشان بردارند.

همان طور که دیده می‌شود در خرافات و جادو نوعی واسپاری وجود دارد. فردی که به جادو باور دارد و به جادوگر یا رمال مراجعه می‌کند، حالا واقعی یا مجازی تا برایش کاری را هموار کند یا موضوعی را پیش بینی، جز وا گذاشتن خودش و نادیده گرفتن اراده‌اش و در نتیجه تکیه کردن به قدرت فرد دیگری، هیچ کاری نمی‌کند و به نوعی مطیع جادوگر، فالگیر یا رمال و در شیوه مدرنش برنامه نویس سایت می‌شود!

به نقل از همکلاسی، بررسی‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد که در شرایط ویژه و مبهم، این واسپاری و عدم قطعیت در تصمیم‌گیری به بالاترین میزان خود می‌رسد. ابهام موقعیت (از جمله موقعیت‌های فردی و اجتماعی)، مقدار تنش و فشار و اضطراب افراد و ترس و تشویش و بی‌اعتمادیشان را افزایش داده، آدم‌ها را مستعد تردید و بی‌اختیاری می‌کند. بعضی از تحقیقات روان‌شناسی نشان می‌دهد که زنان در موقعیت‌های ابهام، آسیب‌پذیری و حساسیت زیادتری نسبت به تشویش و اضطراب دارند و به همین دلیل به دنبال فرد دیگری برای خروج از تنش و بی‌اعتمادی هستند و به سراغ جادو و خرافه می‌روند.

چیزی که این موضوع را تایید می‌کند بررسی‌های روان‌شناسی است. تحقیقات نشان داده که شیوع بعضی از اختلالات و مشکلات روان‌شناختی، از جمله اضطراب و مشکلات عاطفی در زنان بیشتر از مردان است؛ به همین خاطر آن‌ها برای کم کردن بار این مشکلات به سراغ خرافه و رفتارهای خرافی می‌روند.

مطالعات انجام شده در کشور درباره شیوع مشکلات روان‌شناختی نشان می‌دهد که بعضی از اختلالات که زیربنای آن‌ها اضطراب است در خانم‌ها به مراتب بیشتر از آقایان است.

از نظر روان‌شناسی شخصیت هم می‌توان به بررسی فراوانی مکرر خرافات در جامعه پرداخت. یکی از ویژگی‌های شخصیتی، عاملی است به نام «کانون مهار» یا «جایگاه کنترل» در افراد. به طور کلی کانون مهار یا جایگاه کنترل، باور و اعتقاد به این امر است که چه وقایع یا اتفاقاتی را (که در زندگیتان پیش می‌آیند، چه خوب و چه بد)، حاصل تلاش یا عملکرد خود می‌دانید و کدام را نتیجه عمل دیگران یا شانس و اقبال. از این دیدگاه افراد دو گروه می‌شوند؛ عده‌ای دارای کانون مهار داخلی‌اند و دیگران کانون مهار خارجی دارند.

اگر معتقد باشید مسئول هرچیزی که در زندگیتان روی داده، خودتان هستید، کانون مهارتان داخلی است و خودتان بر زندگیتان کنترل دارید؛ ولی اگر بر این باور هستید که دیگران مسبب وقوع امور در زندگی شما هستند، کانون مهارتان بیرونی است. فرض کنید شما کنکور داده‌اید و در کنکور رتبه بدی آورده‌اید، اگر کانون مهارتان داخلی باشد رتبه بدتان را حاصل تلاش کم خودتان می‌دانید و به خود می‌گویید سعی و تلاش زیادی نکردم و به اندازه کافی درس نخواندم و قبول نشدم؛ اما اگر کانون مهارتان خارجی باشد می‌گویید چون کنکور امسال را سخت گرفتند، من رتبه نیاوردم و یا شانسی با من یار نبود (همین تحلیل را می‌توانید درباره رتبه خوب آوردن هم با توجه به جایگاه مهارتان داشته باشید) مطالعات نشان داده افرادی که کانون مهار خارجی دارند، به خرافات و شانس و تصادف عقیده بیشتری دارند و در این زمینه مستعدترند.

به هر حال، کسانی که کانون مهار خارجی دارند در تلاش برای به دست آوردن تسلط بیشتر بر زندگی خود، به سمت خرافات می‌روند، بخشی از علت اینکه بعضی‌ها خرافاتی‌تر از دیگران هستند هم در این واقعیت نهفته است که آن‌ها احساس می‌کنند کنترل کمتری بر زندگی خود دارند. حالا فکرش را بکنید که چرا نگاه بعضی از آدم‌ها به خط‌های داخل فنجان و یا لود شدن

صفحه‌ای از صفحات اینترنت است تا ببینند بالاخره خوشبخت می‌شوند یا نه!